

الاسوه، ۱۴۱۵ق؛ نیل الاوطار شرح منتقى الاخبار من الحديث سيد الاخير: محمد بن على الشوكاني (م. ۱۲۵۵ق.)، بيروت، دار الجيل، ۱۹۷۳م؛ هدى المتقين إلى شريعة سيد المرسلين: هادي آل كاشف الغطاء، نجف، مطبعة كاشف الغطاء، ۱۴۲۳ق؛ الوافي: محمد بن شاه مرتضى فيض كاشاني (۱۰۰۶-۱۰۹۱ق.)، تحقيق ضياء الدين حسيني وكمال الدين فقيه ايماني، اصفهان، كتابخانه اميرالمومنين، ۱۴۰۶ق؛ وسائل الشيعه (تفصيل وسائل الشيعه التي تحصيل مسائل الشريعة): محمد بن الحسن الحر العاملي (۱۰۳۳-۱۱۰۴ق.)، به كوشش عبدالرحيم رباني شيرازي، بيروت، دار احياء التراث العربي، ۱۴۰۳ق.

سيد جعفر صادقى فدكى



حج / ادبيات: بازتاب موضوع حج در نظم و

نثر فارسی

منزلت كعبه و حج در طول زمان همواره ذهن و زبان شاعران و نویسندگان پارسی گوی را به خود مشغول داشته و بسیاری از آنان، با استفاده از مفاهیم حج، كعبه و مناسك مربوط به آن، به بیان مسائل اجتماعي، اعتقادی و عرفانی پرداخته اند. متون مکتوبی که در زبان فارسی به موضوع حج و حرمین پرداخته اند، گستره بسیار وسیعی دارند و همگی این متون، به نوعی، بخشی از ادبیات مکتوب حج در

مطابع المدخول، ۱۴۱۵ق؛ معجم الفروق اللغویه: ابو هلال العسكري (م. ۳۹۵ق.)، قم، نشر الاسلامی، ۱۴۱۲ق؛ معجم مقاییس اللغة: احمد بن فارس (م. ۳۹۵ق.)، به كوشش عبدالسلام محمد هارون، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ق؛ مغنی المحتاج الى معرفة معانی الفاظ المنهاج: محمد بن احمد الشربینی (م. ۹۷۷ق.)، بيروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۷ق؛ المغنی: عبدالله بن قدامه (م. ۶۲۰ق.)، بيروت، دار الکتب العلمیه؛ المقنعه: شیخ مفید محمد بن محمد بن النعمان (۳۳۶-۴۱۳ق.)، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ق؛ مكارم الاخلاق: الفضل بن الحسن الطبرسی (قرن ۶ق.)، قم، شریف رضی، ۱۳۹۲ق؛ من لایحضره الفقیه: محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق) (۳۱۱-۳۸۱ق.)، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق؛ منتهی المطلب فی تحقیق المذهب: حسن بن یوسف حلّی (۶۴۸-۷۲۶ق.)، مشهد، انتشارات بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۱۴ق؛ مواهب الجلیل: محمد بن محمد الحطاب الرعینی (م. ۹۵۴ق.)، تحقیق زکریا عمیرات، بيروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق؛ موسوعة الامام الخویی: سید ابوالقاسم موسوی خویی (۱۳۱۷-۱۴۱۳ق.)، قم، انتشارات احیاء آثار الخویی، ۱۴۱۸ق؛ المیزان فی تفسیر القرآن: سید محمد حسین طباطبایی (۱۲۸۲-۱۳۶۰ش.)، بيروت، مؤسسة الاعلمی، ۱۳۹۳ق؛ النجعة فی شرح اللعنه: محمد تقی تستری، تهران، صدوق، ۱۴۰۶ق؛ نهج البلاغه: شریف الرضی (م. ۴۰۶ق.)، شرح صبحی صالح، قم، دار

پارسی گوی، چشمان معشوق، به کعبه مانند شده است^۲ و انوری، در شعری در مدح رکن الدین فیروزشاه، چنین سروده است:

فیروز شاه کعبه اقبال رکن دین
کز خاک پای او اثر آب زمزم است^۳
و همو، قاضی حمیدالدین بلخی را این گونه مدح می کند:

تو کعبه آمالی و در قافله شکر
هر جا که رود ذکر تو گویی عرفات است^۴
از جمله مواردی که ارادت شاعران فارسی گوی به حج و حرمین را نشان می دهد سوگند نامه هایی است که شاعران در آن به اماکن مقدس حرمین و حج سوگند خورده اند.^۵

جز این زمینه عمومی، کاربرد مفاهیم مربوط به حج و حرمین در شعر فارسی، در بسیاری از اشعار فارسی حج و حرمین، خود موضوع سخن سرایی شاعر است. این موارد یا شامل اشعاری است که در مدح و بزرگداشت حج یا مکه و مدینه و کعبه سروده شده یا حج نامه های منظومی است که هسته اصلی آن ها معمولاً شرح سفر شاعر به حج است. شعرهایی که به بزرگداشت حرمین اختصاص

زبان فارسی را تشکیل می دهند. اما آنچه در این مقاله به طور اجمال مورد بررسی قرار می گیرد، تنها گونه هایی از ادبیات حج در زبان فارسی است که جنبه های هنری و ادیبانه بیشتری داشته و در زمره گونه های ادبی، طبقه بندی می شوند.

◀ حج در شعر فارسی: زمینه طرح

مفاهیم مربوط به حج و حرمین را در شعر فارسی می توان به چند دسته تقسیم کرد: در شعر فارسی، یا حج و حرمین خود موضوع شعر شاعر بوده است یا استفاده از واژگان و مفاهیم مربوط به حج و حرمین، در کاربردهای شاعرانه، در شعرهایی با موضوعات دیگر استفاده شده است. در این موارد، شاعران با استفاده از مفاهیمی همچون کعبه، زمزم، حجرالاسود و سایر اماکن مقدس که در ادبیات پارسی نمادی از منزلت و قداست هستند، به کمک صور خیال به آفرینش تصاویر شاعرانه ای از معشوق خود دست زده اند و زیبایی و تقدس کعبه را به او نسبت داده اند یا ممدوح خود را در عظمت و بزرگی به کعبه مانند کرده اند.^۱ این نمونه ها در قدیم ترین ادوار شعر فارسی یافت می شود؛ چنان که در شعر رودکی، از قدیم ترین شاعران

۲. محیط زندگی و احوال رودکی، ص ۵۸۵.

۳. دیوان انوری، ج ۱، ص ۶۵.

۴. دیوان انوری، ج ۱، ص ۵۲.

۵. حج در آینه شعر فارسی، ص ۳۶-۳۸.

۱. نک: حج در آینه شعر فارسی، ص ۲۱-۲۸.

حج‌نامه‌هایی است که به شرح سفر و وقایع آن پرداخته است. (← سفرنامه نویسی)

بخشی از مضمون‌های مکرر شعر فارسی را طلب و آرزوی حج و اشعاری که در شرح احوال و اشتیاق درونی شاعر برای زیارت حج سروده شده است تشکیل می‌دهد. از نمونه‌های بازار شعر ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی (۴۷۳-۵۴۵ق.) است با مطلع

گاه آن آمد که با مردان سوی میدان شویم
یک ره از ایوان برون آییم و بر کیوان شویم^۳
اوحدی مراغه‌ای (م. ۷۳۸ق.) نیز در ترکیب‌بندی، با مطلع

هوس کعبه و آن منزل و آنجاست مرا
آرزوی حرم مکه و بطحاست مرا
اشتیاق فراوان خود را به زیارت کعبه و مرقد حضرت رسول ﷺ بیان کرده است.^۴
دشواری راه حج از مواردی است که بازتاب وسیعی در شعر فارسی یافته است. سنایی در همان شعری که از شوق و سفر حج می‌گوید، دشواری راه بادیه و خطرات آن، چنین بیان کرده است:

پای چون در بادیه خونین نهادیم از بلا
همجو ریگ نرم پیش باد سرگردان شویم

دارند، نمونه‌های فراوانی در شعر فارسی دارند؛ از جمله مهم‌ترین نمونه‌های آن را می‌توان در دیوان افضل‌الدین بدیل خاقانی جست که قصاید بسیاری در بزرگداشت حرمین سروده است.^۱ خاقانی خود دو بار به حج رفت و گفته شده که در یکی از این سفرها، یکی از قصایدش، در مدح کعبه با مطلع

صبح حمایل فلکت آهیخت خنجرش
کامیخت کوه ادیم شد از خنجر زرش
را با زر نگاشتند و بر دیوار کعبه آویختند.^۲
حج‌نامه‌های منظوم که شاعر در آن شرحی شاعرانه از سفر خود ارائه می‌دهد، نمونه‌های درخشانی در شعر فارسی دارد؛ از جمله موارد شاخص این حج‌نامه‌های منظوم باید به منظومه تحفة العراقین^۳ خاقانی اشاره کرده که در آن، شرحی از سفر خود به حج را ارائه داده است. از جمله حج‌نامه‌های منظوم دیگر در زبان فارسی، می‌توان به حج‌نامه محی‌الدین لاری با نام فتوح الحرمین اشاره کرد که در آن، افزون بر بزرگداشت حج، به شرح مناسک حج نیز پرداخته است. سفرنامه منظوم دیگری از یکی از زنان بلندمرتبه صفوی، از دیگر

۱. دیوان خاقانی، ص ۸۸، ۹۵-۲۱۵، ۳۶۸.

۲. تاریخ ادبیات ایران از دوران باستان، ص ۲۸۷؛ دیوان خاقانی،

ص ۱۷، «مقدمه».

۳. دیوان سنایی، ص ۲۲۲.

۴. دیوان اوحدی مراغه‌ای، ص ۷۸-۷۹.

سنایی بعد از این که از تنهایی و غربت راه می‌گوید و دشواری دوری از خانواده را ترسیم می‌کند، بیم خود را از خطر مرگ و حسرت ناکامی در حج‌گزاری چنین می‌سراید:

آه اگر یک روز در کنج رباطی ناگهان
بی‌جمال دوستان و اقربا مهمان شویم
همراه حج کرده باز آیند با طبل و علم
ما به زیر خاک ره با خاک ره یکسان شویم
قافله باز آید اندر شهر، بی‌دیدار ما
ما به تیغ قهر حق کشته غریستان شویم
همراه با سرخ رویی چون به پیش ماه شب
ما به زیر خاک چون در پیش مه کتان شویم
دوستان گویند حج کردیم و می‌آیم باز
ما به هر ساعت همی طعمه دگر کرمان شویم

با این حال دشواری راه حج در نظر شاعران، نوعی ریاضت عارفانه است که شاعر، با اشتیاق، به استقبال آن می‌رود. در این شعرها معمولاً سختی و دشواری راه، همچون آزمونی برای پاک شدن در راه رسیدن به معشوق دانسته شده است؛ چنان که سنایی، در ادامه شعر پیش گفته، چنین می‌سراید:

بادیه بوته‌ست و ما چون زر مغشوشیم راست
چون بیالودیم ازو خالص چو زر کان شویم
بادیه میدان مرد آن است و ما نیز از نیاز

خوی این مردان گریم و گوی این میدان شویم
گر چه در ریگ روان عاجز شویم از بی‌دلی
چون پدید آید جمال کعبه جان‌افشان شویم
یا سعدی چنین می‌سراید:

سعدی اگر طالبی راه رو رنج بر
کعبه دیدار دوست صبر بیابان اوست^۱
مغیلان چیست تا حاجی عنان از کعبه بریچد
خسک در راه مشتاقان بساط پرنیان باشد^۲

گاه نیز بیابان‌های خشک جزیره العرب که راه حاجیان از آن می‌گذشته و راهی بسیار دشوار و خطرناک بوده، در نظر شاعر که شوق دیدار کعبه را دارد، همچون راهی خرم و سرسبز جلوه می‌کند؛ چنان که خاقانی، در منظومه تحفة العراقین چنین می‌سراید.^۳

در عرصه بادیه نهی روی
نه بادیه بل ریاض خود روی...

افزون بر این دشواری، راه حج از مواردی است که عارفان همچون آزمونی از میزان توکل سالک از آن یاد کرده‌اند و در اغلب موارد تنها توشه راه حج را توکل دانسته‌اند.^۴ بخشی از شعرهای فارسی نیز تعالیمی در

۱. کلیات سعدی، ص ۴۶۸.

۲. کلیات سعدی، ص ۵۱۰.

۳. تحفة العراقین، ص ۱۱۹-۱۲۰.

۴. حج در آینه شعر فارسی، ص ۲۳۷.

آمادگی حاجی با پاک کردن دل از گناه و توجه به معبود است:

آهنگ حجاز می‌نمودم من زار
کامد سحری به گوش دل این گفتار
یارب به چه روی جانب کعبه رود
گیری که کلیسا از او دارد عار^۴

در اشعار عرفانی، توصیه به حج روحانی شده و حج روحانی که در واقع سفر درونی سالک به سوی خداوند است، برتر از سفر جسمانی حج تلقی شده است. عارفان، تنها راه رسیدن به کعبه دل را توکل می‌دانستند و هنگامی که قصد خانه خدا می‌کردند، قبل از آن، شرایط و ضوابطی را در نظر گرفته آن را در مقدمه سفر خود قرار می‌دادند و تنها هدف آن‌ها، رسیدن به کعبه، به هر قیمت و به هر روشی نبود. این دسته از شعرها معمولاً حج اصلی را گذشتن از هواهای نفسانی می‌دانند و از حج، سفری درونی در شناخت معبود را مراد می‌کنند:

طواف کعبه دل کن اگر دلی داری
دل است کعبه معنی تو گل چه پنداری
طواف کعبه صورت حقت از آن فرمود
که به واسطه آن دلی به دست آری ...^۵
و در شعری دیگر چنین می‌سراید:

مسائل مربوط به اخلاق و اسرار و معارف حج طرح کرده‌اند. در این دسته از شعرها، لزوم خودسازی و توجه عارفانه به امر حج رایج است. در همین دسته از شعرهای فارسی است که ریا به شدت مورد انتقاد قرار گرفته و فراتر رفتن از ظاهر مناسک حج و توجه به هدف آن که همانا نزدیکی به خدا و دوری از گناهان است، طرح شده؛ چنان که ناصر خسرو در شعری با مطلع

حاجیان آمدند با تعظیم
شاکر از رحمت خدای رحیم

بدین موضوع پرداخته است.^۱

عبدالرحمن جامی (۸۱۷-۸۹۸ق.) نیز در

این باره چنین سروده است:

به جان شو ساکن کعبه بیابان چند پیمایی
چو نبود قرب روحانی چه سود از قطع منزلها^۲
یا محتشم کاشانی (م. ۹۹۶ق.) چنین می‌سراید:

خانه پرست از ریا رفت و به کعبه کرد جا
کعبه ماست هر کجاست باده پرست می‌رود^۳
در نگاه عرفانی و تعلیمی، آنچه بیش از ظاهر برگزاری مناسک حج اهمیت دارد،

۱. دیوان ناصر خسرو، ص ۳۰۱.

۲. کلیات دیوان جامی، ص ۹.

۳. دیوان محتشم کاشانی، ص ۹۰.

۴. کلیات اشعار شیخ بهایی، ص ۲۶۳.

۵. غزلیات شمس، ج ۶، ص ۲۹۸.

ای قوم به حج رفته کجایید کجایید
 معشوق همین جاست بیایید بیایید
 معشوق تو همسایه و دیوار به دیوار
 در بادیه سرگشته شما در چه هوایید
 گر صورت بی صورت معشوق ببینید
 هم خواجه و هم خانه و هم کعبه شما ببید
 ده بار از آن راه بدان خانه برفتید
 یک بار از این خانه بر این بام برآید
 آن خانه لطیف است نشان هاش بگفتید
 از خواجه آن خانه نشانی بنمایید
 یک دسته گل کو اگر آن باغ بدیدیت
 یک گوهر جان کو اگر از بحر خدایید
 با این همه آن رنج شما گنج شما باد
 افسوس که بر گنج شما پرده شما ببید

◀ نثر فارسی: در پهنه نثر فارسی نیز منابعی

که به نحوی مربوط به حج باشد، کم نیستند. افزون بر منابعی از نثر فارسی که به آداب و اخلاق اسلامی پرداخته و بخشی از اثر خویش را به موضوع حج اختصاص داده‌اند، ادبیات منشور عرفانی نیز، گاه بخشی را به حج و آداب آن پرداخته‌اند. شرح سفر عارفان و صوفیان که همراه است با شرح وقایعی که بر آنان گذشته یا تعداد زیاد سفرهای آنان به حج نیز بخش دیگری از ادبیات عرفانی مربوط به حج را شامل می‌شود.^۱

مهم‌ترین زمینه نمود موضوع حج در نثر فارسی، سفرنامه‌ها هستند. (← سفرنامه‌نویسی) سفرنامه‌نویسی، در زبان فارسی، تاریخی کهن دارد و از مهم‌ترین و قدیم‌ترین سفرنامه‌های منشور فارسی سفرنامه ناصر خسرو^{*} است. سفرنامه‌ها و راه‌نماهای حج کهن دیگری نیز در زبان فارسی وجود دارد که برخی مانند *لطائف الاذکار*^{*} و *رساله حجازیه*^{*} و نیز کتاب بیان واقع^{*} امروزه باقی هستند.

سفرنامه‌نویسی فارسی، در دوران قاجار، رواج زیادی یافت و در این دوران، ده‌ها سفرنامه به قلم نویسندگانی که اغلب از طبقه اشراف قاجاری بودند، نگاشته شد. سفرنامه‌های این دوره، انبوهی از اطلاعات تاریخی درباره حج و حرمین و نیز تاریخ اجتماعی ایران و سایر سرزمین‌های اسلامی در اختیار ما می‌گذارند. (← سفرنامه‌نویسی)

◀ ادبیات حج در دوره معاصر:

ادبیات معاصر، توجه به حج همچنان ادامه دارد و شکل‌های تازه‌ای نیز یافته است. بخشی از ادبیات معاصر که به شیوه‌های کهن نزدیک‌ترند، شامل سفرنامه‌ها و کتاب‌های راهنمای حج هستند. راهنماهای حج، از جمله مواردی است که مسائل گوناگون، از آداب و مناسک را طرح کرده‌اند و گاه به

۱. نک: حج در ادب فارسی، ص ۴۳۱-۳۷۹.

ریپکا و دیگران، ترجمه عیسی شهابی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۱ش؛ تحفة العراقین: بدیل بن علی خاقانی، تصحیح علی صفری آق قلعه، میراث مکتوب، ۱۳۸۸ش؛ حج در ادب فارسی: خلیل الله یزدانی، تهران، مشعر، ۱۳۷۹ش؛ حج در آیین شعر فارسی: محمد شجاعی، مشعر، بی تا؛ دیوان اوحدی مراغه‌ای: مقدمه ناصر هیری و تصحیح امیر احمد اشرفی، تهران، پیشرو، ۱۳۶۲؛ دیوان خاقانی: تصحیح علی عبدالرسولی، تهران، انتشارات کتابخانه خیام ۱۳۵۷ش؛ دیوان سنایی غزنوی: به اهتمام پرویز بابایی و مقدمه بدیع الزمان فروزانفر، تهران، نگاه، ۱۳۹۰ش؛ دیوان محتشم کاشانی: تصحیح و مقدمه اکبر بهداروند، تهران، انتشارات نگاه، ۱۳۸۷ش؛ دیوان ناصر خسرو: ناسر خسرو (م ۴۸۱ق.)، تحقیق ابن الحسین عسگر اردوبادی، تبریز، ۱۲۸۰ق؛ غزلیات شمس: جلال‌الدین محمد بلخی، تحقیق بدیع الزمان فروزانفر، تهران، دانشگاه، ۱۳۴۵ش؛ کتابشناسی حج و زیارت: ابازر نصر اصفهانی، تهران، مشعر، ۱۳۹۰ش؛ کلیات اشعار شیخ بهایی: مقدمه سعید نفیسی، تهران، چکامه، ۱۳۷۲ش؛ کلیات دیوان جامی: مقدمه فرشید اقبال، تهران، اقبال، ۱۳۸۸ش؛ کلیات سعدی: تصحیح محمد علی فروغی، تهران، ۱۳۲۰ش؛ محیط زندگی و احوال رودکی نفیسی: سعید، تهران، اهورا، ۱۳۸۲ش.

حوراء عادل



فضیلت حرمین نیز پرداخته اند. سفرنامه‌نویسی همچنان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین بخش ادبیات معاصر حج را شامل می‌شود. سفرنامه‌های معاصر، به قلم نویسندگان متعدد، با گرایش‌ها و تخصص‌های گوناگونی نگاشته شده‌اند و رویکردها و سبک‌های متعددی دارند. امروزه نگارش سفرنامه‌هایی که با قلمی عاطفی به شرح احساسات مذهبی نویسنده می‌پردازند، رواج زیادی دارد.^۱

(← سفرنامه‌نویسی)

در شعر فارسی معاصر نیز توجه ویژه‌ای به حج صورت گرفته و دفترهای شعر، با موضوع حج، به چاپ رسیده است.^۲ مفاهیم و موضوعات حج به قالب‌های تازه‌تر ادبی نیز راه یافته‌اند. از جمله این موارد می‌توان به نمایشنامه یا داستان اشاره کرد. ادبیات کودک و نوجوان نیز از جمله عرصه‌های تازه در ادبیات حج است. در این آثار، معمولاً معارف حج به شکل داستان‌های مناسب سنین نوجوانان طرح شده است.^۳

◀ منابع

تاریخ ادبیات ایران از دوران باستان: بیان

۱. نک: کتابشناسی حج و زیارت، ص ۱۳۴-۲۶۸.

۲. نک: کتابشناسی حج و زیارت، ص ۴۱۷-۴۳۶.

۳. نک: کتابشناسی حج و زیارت، ص ۴۴۳-۴۵۱.